

فیلم‌برداری «نیم‌شب» مهدویان به پایان رسید

فیلم‌برداری تازه‌ترین فیلم محمدحسین مهدویان در تهران به پایان رسید. «نیم‌شب» عنوان تازه‌ترین فیلم سینمایی محمدحسین مهدویان پس از چهار سال دوری از سینماست که فیلم‌برداری آن به تازگی در تهران به پایان رسیده است.

عارفان دشت توس

خلاصه‌ای از روز و روزگار نجم‌الدین کبرا که طریقت عرفانی‌اش تا دشت توس هم رسید
آتشی از جانب مشرق



حسن احمدی فردا | این ستون اگر چه درباره عارفان دشت توس است و روز و روزگار آن‌ها، اما برای شناخت شماری از ایشان و آشنایی با مشرب فکری‌شان، به ناچار باید قدری از توس، دورتر برویم و دو عارف نامی را بشناسیم؛ نخست «نجم‌الدین کبرا» و سپس «علاالدوله سمنانی».

چهار سال پس از درگذشت «شیخ احمد جام» در این سوی خراسان در ۵۳۶ قمری، نجم‌الدین کبرادر آن سوی خراسان تاریخی، در «وُزارود» (ماوراءالنهر)، در آن طرف جیحون، در «خیوه» خوارزم به دنیا آمد؛ جغرافیایی که امروز در کشور ازبکستان و نزدیک مرز ترکمنستان قرار گرفته است. درباره حدود خراسان تاریخی فراوان نوشته‌اند؛ مختصر اینکه چهار شهر نیشابور، مرو، هرات و بلخ در قلب این جغرافیا قرار داشته؛ اما دامنه خراسان، از هر طرف تا ولایات دیگر امتداد می‌یافته، چنان‌که گاه خیوه خوارزم هم در منتهی‌الیه همین جغرافیای‌جامی گرفته...

نجم‌الدین کبرا به روزگار جوانی در سراسر جهان اسلام سفر کرد و به ویژه در نیشابور، اصفهان و همدان از محضر استادان فراوانی بهره برد و سرانجام به خوارزم بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت. آموزه‌های نجم‌الدین کبرا در طریقت عرفان چنان تأثیرگذار بود که تقریباً همه طریقت‌های عرفانی پس از او، در زمره طریقت او، «طریقت کُبروی» جای می‌گیرند؛ آیینی که در سرتاسر خراسان گسترده‌شد و به دشت توس هم رسید. او ۱۲ شاگرد خاص داشت که «سیف‌الدین باخری» یکی از آن‌هاست؛ نیز «بهاء‌الدین ولد» پدر مولانا و البته «فریدالدین عطار نیشابوری».

نجم‌الدین کبرا همچنین پیشگام ایستادگی در برابر مغول هم بود و با آنکه چنگیز امان داده بود تا از خوارزم بگریزد، در خوارزم ماند و همراه خوارزمیان در جنگ با مغولان کشته شد.

«چون کفار تبار به خوارزم رسیدند، شیخ اصحاب خود را جمع کرد و زیادت بر شصت بودند؛ و سلطان محمد خوارزمشاه گریخته بود. و کفار تبار پنداشتند که وی در خوارزم است، و به خوارزم درآمدند. شیخ بعض اصحاب را طلب داشت و گفت برخیزید و به بلاد خود روید! که آتشی از جانب مشرق برافروخت که تا نزدیک به مغرب خواهد سوخت...

پس اصحاب التماس کردند که چهار پایان آماده است؛ اگر چنانچه حضرت شیخ نیز با اصحاب موافقت کند تا در ملازمت ایشان به خراسان متوجه شوند دور نمی‌نماید. شیخ فرمود که: من اینجا شهید خواهم شد و مرا انان نیست که بیرون روم. پس اصحاب متوجه خراسان شدند.

چون کفار به شهر درآمدند، شیخ اصحاب باقیمانده را بخواند و گفت: قُومُوا عَلَی اسمِ الله، تَقَاتِلْ فِی سَبِيلِ الله و به خانه درآمد و خرقه پوشید و میان محکم بیست، و آن خرقه پیش گشاده بود، بغل خود را از هر دو جانب پر سنگ کرد و نیزه به دست گرفت و بیرون آمد. چون با کفار مقابل شد، در روی ایشان سنگ می‌انداخت تا آن غایت که هیچ سنگ نماند. کفار ی را تیر باران کردند، یک تیر بر سینه مبارک وی آمد؛ بیرون کشید و بینداخت و بر آن برفت.

نجم‌الدین کبرا وقتی در سال ۶۱۸ قمری شهید شد، هفتاد و هشت ساله بود؛ و آموزگاران طریقت او، در همه خراسان پراکنده شده بودند. پیکر شیخ را در محل خانقاهش به خاک سپردند. مزار شیخ حالا در منطقه تاریخی «کهنه‌گراگنج» یا همان «اورگنج» در استان «دش‌آغوز» ترکمنستان (درمحدوده خیوه تاریخی) قرار دارد؛ هر چند بنایی در این سوی خراسان، در روستای «زیرآباد» جوبین سبزوآر هم منسوب به او است.

گزارش خبری

این فیلم سینمایی با فیلم‌نامه‌ای به قلم مهدی یزدانی خرم و اعظم بهروز ساخته شده و حبیب والی‌نژاد تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد. «نیم‌شب» بر اساس یک ماجرای واقعی تولید شده است. آنچه اهمیت این پروژه را دوچندان می‌کند، جایگاه تاریخی آن در سینمای ایران است؛ پس از فیلم «مرز»

ساخته جمشید حیدری که به عنوان نخستین فیلم دفاع مقدس درباره جنگ ایران و عراق در تاریخ سینمای ایران ثبت شده است، حالا اثر تازه مهدویان نیز به عنوان فیلم آغازگر روایت‌های سینمایی از جنگ ۱۲روزه اسرائیل علیه ایران است. بر اساس اطلاعات منتشر شده‌الناز ملک جزو بازیگران اصلی آن

«باشو غریبه کوچک» بهرام بیضایی پس از ۴۰ سال توانست جایزه «ونیز کلاسیک» را دریافت کند

درخششی که قابل انکار نیست



کامران سحرخیز، مدیر گروه بازسازی و ترمیم این فیلم، درباره این فیلم می‌گوید: بازسازی آثار شاخص سینمای ایران همواره برای من اهمیت داشته زیرا فرصتی تازه برای تماشای دوباره آن‌ها ایجاد می‌کند. فیلم‌های بیضایی سرشار از جزئیات است و مرمت و نسخه دیجیتال آن‌ها، دنیای اثر را روشن‌تر به نمایش می‌گذارد.

کوبین توماس، منتقد نشریه لس‌آنجلس تایمز نیز در یادداشتی «باشو غریبه کوچک» را اثری شاعرانه توصیف کرده که با تصویرسازی‌های دقیق و روایت انسانی، هم لیخن‌در لب می‌نشانند و هم اشک بر چشم. او نوشته است: جهان بیضایی در این فیلم نجوای صلح و برابری ایران و مرزها و رنگ‌ها را در برابر انسانیت کمرنگ می‌کند.

مسیر پر فراز و نشیب «باشو غریبه کوچک»

اما شاید بد نباشد به ماجرای ساخته شدن این فیلم خاطره‌انگیز و ماندگار و فراز و نشیب‌هایی که در زمان اکران پیدا کرد هم اشاره‌ای کنیم.

ایده ساخت باشو غریبه کوچک از دل پرسش‌ها و کنجکاو‌ی‌هایی به وجود آمد که در زمان جنگ، بیضایی در خلوتش به آن‌ها می‌اندیشید و نمی‌دانست پاسخش چیست. هم‌زمانی این بگویم‌گوهای ذهنی و جرقه‌ای که با ایده سوسن تسلیمی زده می‌شود، باشو را می‌آفریند. بیضایی در گفت‌وگویی با ماهنامه فیلم درباره چگونگی شکل‌گیری ایده اولیه فیلم می‌گوید در سال‌های جنگ ایران و عراق، هر گاه به شمال کشور سفر می‌کرده و پناهندگان و مهاجران جنگی که از جنوب کشور به آنجا

مهاجرت کرده بودند را می‌دید: از خود می‌پرسیده نخستین جنوب‌یی‌ای که به شمال آمده، چه احساسی داشته، چه افکاری در ذهن او گذشته، چگونه حرف‌هایش را به دیگران منتقل کرده و چطور با آن محیط سازش پیدا کرده است؟

اما باشو غریبه کوچک چطور خلق شد؟ بهرام بیضایی این فیلم را براساس طرحی از سوسن تسلیمی می‌سازد. ماجرا از این قرار است که روزی تسلیمی برای او یک داستان دوحطی تعریف می‌کند و بیضایی از او می‌خواهد که خودش داستان آن را بنویسد. سوسن تسلیمی قبول می‌کند و داستان کوتاهی می‌نویسد که تفاوت‌هایی با فیلم‌نامه فعلی داشته و در نسخه اولیه داستان تأکید بیشتری بر وقایع جنگ جنوب بوده است، اما بیضایی تغییراتی در طرح اولیه می‌دهد و بر اساس همان طرح اولیه، داستان دیگری می‌نویسد و به‌کانون پرورش فکری او، می‌دهد که تصویب می‌شود.

باشو غریبه کوچک در بحبوحه جنگ ساخته شد، درست زمانی که مضمون اصلی فیلم‌ها بر بازتاب رشادت‌ها و نمایش توانمندی‌های جنگی و همچنین روحیه‌بخشی و امیدآفرینی به مردم در روزهای سخت جنگ متمرکز بود؛ اما بیضایی از زمانه خودش جلوتر بود. او چندی‌ن گام پیش‌تر رفته و در فیلمش از آسیب‌های جنگ در زندگی مردم و تأثیرات آن بر شرایط اجتماعی و اقتصادی پرده برداشته بود. رویکردی که سر و کلاهش یکی دو دهه بعد در سینمای ایران پدیدار شد و تا سال‌ها پس از جنگ هم محور اصلی فیلم‌ها مبتنی بر انعکاس دوران دفاع مقدس

است و گفته می‌شود جواد عزتی دیگر بازیگر محبوب مهدویان هم نقشی کوتاه در این اثر بر عهده دارد. به گفته تسنیم، روایت این فیلم بر پایه ماجرابیی است که در مقابل بیمارستان حضرت فاطمه(س) در منطقه یوسف‌آباد تهران رخ داده؛ همان بمبی که منفجر نمی‌شود و در بستر جنگ ۱۲روزه معنا پیدا می‌کند.



دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴ ۱۵ ربیع الاول ۱۴۴۷ ۸ سپتامبر ۲۰۲۵ ۲۰۲۴ سال سی و هشتم ۱۰۷۴۶ شماره ۱۰۷۴۶

و رشادت‌های رزمندگان باقی مانده بود و خبری از تأثیرات جنگ در جامعه نبود.

اتفاقاً همین نوع نگاه هم سبب توقیف چهار ساله فیلم بیضایی شد. ظاهراً کمی پس از آنکه فیلم‌برداری تمام می‌شود بیضایی می‌فهمد قرار نیست فیلم را نمایش دهند و «باشو غریبه کوچک» هم به سرنوشت «مرگ یزدگرد» دچار شده است. خود بیضایی می‌گوید: «راستش اگر باشو فیلم خوبی درنیامده بود توقیف نمی‌شد. باید پرسید چه کسی در گوش چه کسی چه گفت که این فیلم پس از پنج جلسه پیش‌نمایش موفقیت‌آمیز و هیجان‌آور یکباره توقیف شد». بنا بر آنچه نقل شده حدود ۷۵ مورد اصلاحیه به فیلم وارد شد؛ از حذف نام بازیگر زن در عنوان‌بندی تا تغییراتی در شکل و شمایل تیتراژ فیلم.

وقتی به فیلمش ۷۵ مورد اصلاحیه زدند او حاضر به تن دادن به آن‌ها نشد؛ فیلمی که حدود پنج سال طول کشید تا بهرام بیضایی از میان ۷۵ مورد اصلاحیه تنها به دو مورد آن‌ها رضایت دهد و به تعبیر خودش فیلم آزاد شود. یکی از موارد اصلاحیه، در تیتراژ فیلم و تصویر مجموعه بمب‌افکن‌هایی بود که از راست به سمت چپ تصویر حرکت می‌کردند. بعد از چهار سال و نیم به بیضایی گفتند این تصویر معنی دیگری به ذهن متبادر می‌کند و این طور است که انگار ما به عراق حمله کرده‌ایم! بیضایی دلیل این نگاه را می‌پرسد و در پاسخ می‌شوند در نقشه جغرافیا ما در سمت راست هستیم و عراق در سمت چپ! مورد دیگر هم برمی‌گردد به نام سوسن تسلیمی که در ابتدای تیتراژ می‌آمد و موجب اختلاف شده بود و درخواست کرده بودند نام یک مرد جایگزین آن شود.

به قول بهرام بیضایی فیلم سرانجام آزاد شد؛ باشو غریبه کوچک زمستان ۶۸ نمایش خود را آغاز کرد و اکران عمومی موفقی در سینماهای کشور داشت و بعدها نیز حضور درخشانی در جشنواره‌های خارجی تجربه کرد و بارها هم روی آنتن صدا و سیما رفت.

■ ادای احترام به آوارگان، بی‌پناهان و واماندگان جنگ

این فیلم آن قدر محبوب بود که از نگاه بسیاری از سینماگران و منتقدان به عنوان بهترین فیلم سینمایی ایران شناخته می‌شود و هنوز پس از گذشت ۴۰سال از ساختش، همچون هوایی تازه در کالبد سینمای ایران و مایه افتخار آن است.

اما نکته تأمل‌برانگیز اینجاست با وجود کارشکنی‌هایی که ۴۰سال پیش درباره این فیلم صورت گرفت، باشو باز هم راه خودش را پیدا کرد و در یکی از معتبرترین جشنواره‌های جهانی خوش درخشید و هیئت داوران ونیز هم نتوانستند در برابر شکوه و اهمیت این فیلم مقاومت کنند.

اما تأسأف‌آور اینجاست که فیلمساز باشو که از برجسته‌ترین هنرمندان ایرانی است در وطن غایب بوده و دور از خانه هنوز هم رنج آن تنگ‌نظری و کج‌فهمی‌ها روحش را می‌آزارد. آنچنان‌که در درباره این فیلم می‌گوید: «باشو غریبه کوچک را نمی‌توانم در ذهنم بیاورم مگر اینکه یادم بیاید چه بر سرش آمد و شاید باید تحسین کنم کسانی که موفق شدند جهنمی درست کنند زیر پای کسانی که با حسن نیت و با عشق فیلمی ساختند برای ادای احترام به آوارگان، بی‌پناهان و واماندگان جنگ و اینکه چرا این فیلم باید دوزخی برای ما می‌شد را نمی‌فهمم! اگر نشود باشو غریبه کوچک هم ساخت پس دیگر چه کار باید کرد؟».

■ پیوند گذشته باشکوه هخامنشیان با موسیقی امروز

این کنسرت نه تنها یک رویداد هنری بود، بلکه پیامی از همبستگی، دوستی و احترام متقابل میان ملت‌های ایران و ارمنستان را به جهانیان منتقل کرد و نمادی از همنشینی تاریخ و هنر بود؛ لحظه‌ای که گذشته باشکوه هخامنشیان با موسیقی زنده امروز پیوند خورد و تجربه‌ای یگانه برای ایران و جهان رقم زد.

این رویداد، فرصتی فراهم کرد تا بار دیگر ایران با جهان پیوندی دوباره و تازه برقرار و راه را برای تعاملات فرهنگی گسترده‌تر و پایدار هموار کند.

مورد توجه مسئولان فرهنگی و گردشگری استان فارس قرار گرفت. آن‌ها بر اهمیت این رویداد در معرفی ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی استان و ارتقای سطح موسیقی فاخر تأکید کردند.

البته این نخستین اجرای موسیقی در تخت جمشید نیست. سال گذشته کنسرت‌های علیرضا قربانی آغازگر این مسیر بود و تجربه موفق آن موجب شد نگاه تازه‌ای به برگزاری رویدادهای هنری در محوطه‌های تاریخی شکل بگیرد و همکاری‌های مشترکی میان وزارت گردشگری و وزارت فرهنگ و ارشاد آغاز شود.

مهدی پارسایی، معاون گردشگری و زیارت استانداری فارس در نشست خبری پیش از برگزاری کنسرت اظهار کرد: «اجرای ارکستر فیلارمونیک ارمنستان در تخت جمشید، اقدامی مهم در راستای تقویت مراودات بین‌المللی ایران است. موسیقی فیلارمونیک زمینه رشد موسیقی فاخر و ارزشمند را فراهم می‌کند و تقویت و گسترش آن، در ارتقای سطح



■ حضور دیپلمات‌ها و مقامات

بسیاری از مقامات فرهنگی و دیپلماتیک در اجرای ارکستر فیلارمونیک ارمنستان حضور داشتند؛ از جمله ژانا آندریاسیان، وزیر آموزش، دانش، فرهنگ و ورزش ارمنستان همراه با ۳۲ نفر هیئت همراه، همچنین ۴۳ سفیر و دیپلمات از ۲۳ کشور جهان و جمعی از هنرمندان و مسئولان فرهنگی ایران. حضور گسترده هیئت‌های خارجی از اروپا، آسیا و آفریقا به این رویداد رنگ و بویی جهانی بخشید. سفیران و نمایندگانی از کشورهای برزیل، مکزیک، کنیا، دانمارک، صربستان، ایتالیا، هند، کره جنوبی، آلمان، سوئد، سریلانکا، نیجریه، ازبکستان، فیلیپین و چند کشور دیگر نیز پیش از اجرا از حافظیه، سعدیه و باغ دلگشا بازدید کردند. همچنین دو نماینده سازمان یونسکو و چندین گروه رسانه‌ای خارجی در این مراسم حاضر بودند و پوشش خبری آن را بر عهده داشتند تا تصویر تخت جمشید و این جشن موسیقایی در قاب رسانه‌های جهان ثبت شود. حضور دیپلمات‌ها و مقامات از کشورهای مختلف نشان‌دهنده اهمیت بین‌المللی این رویداد و تأثیر آن در تقویت روابط فرهنگی و هنری میان ملت‌ها بود.

■ تخت جمشید؛ میزبان دیپلماسی فرهنگی

برگزاری این کنسرت در محوطه جهانی تخت جمشید، پایتخت تاریخی ایران فرهنگی، به عنوان نمادی از دیپلماسی فرهنگی و تقویت روابط بین‌المللی ایران با کشورهای همسایه و عضو پرونده نوروژ

نیایش احمدی | در میان خبرهای مربوط به لغو یا تمدید کنسرت‌ها و اجرا نشدن کنسرت رایگان همایون شجریان، خبر برگزاری ارکستر فیلارمونیک ارمنستان در تخت جمشید توجه زیادی برانگیخت. این گروه که امسال صدمین سال فعالیت خود را جشن می‌گیرد، تصمیم گرفت کنسرتی ویژه در ایران برگزار کند؛ رویدادی که علاقه‌مندان بسیاری را از کشورهای مختلف به خرید بلیت و سفر به ایران ترغیب کرد.

ارکستر فیلارمونیک ارمنستان به مناسبت صدمین سالگرد تأسیس این ارکستر معتبر ارمنی برگزار شد و با حضور مقامات و دیپلمات‌های داخلی و بین‌المللی، به نمادی از همکاری فرهنگی و دیپلماسی موسیقایی تبدیل شد. ارکستر فیلارمونیک ارمنستان با رهبری هنری خود، قطعاتی از موسیقی کلاسیک جهانی را اجرا کرد.

یکی از بخش‌های ویژه این برنامه، اجرای سرود ملی «ای ایران» با همراهی گروه آوازی شیراز بود که با استقبال گسترده حاضران روبه‌رو شد. این لحظه نمادی از همگرایی فرهنگی و پیام‌آور صلح و دوستی میان ملت‌های ایران و ارمنستان بود. ارکستر فیلارمونیک ملی ارمنستان (ANPO) نزدیک به یک قرن پیش و در سال ۱۹۲۵ به همت آرشاک آدامیان و الکساندر اسپندیاریان بنیان گذاشته شد. از آن زمان تاکنون، این ارکستر به مهم‌ترین مرکز موسیقی ارکسترال ارمنستان تبدیل شده و در کنار ارکستر سمفونیک و اپرا، یکی از سه ستون اصلی موسیقی کلاسیک این کشور به شمار می‌رود. ANPO نه تنها در مرزهای ارمنستان بلکه در صحنه جهانی نیز نامی شناخته‌شده است. رهبرانی برجسته همچون لوریس چکناواریان، والری گریگوریف و ادوارد توپچجیان که از سال ۲۰۰۰ تاکنون هدایت هنری گروه را بر عهده دارند، این ارکستر را در مسیر شکوفایی همراهی کرده‌اند.